

# جهان اسلام و جهانی سازی

آیت الله محمد علی تسخیری

همه این رویدادها، باعث پیدایش یک کینه تاریخی و یک حالت روانی شده بود که تأثیر خود را روی استراتژی های طرفین در نگرش به یکدیگر گذاشته است، حتی عوامل یاد شده در زمینه نظریه پردازی تاریخی و تجزیه و تحلیل علمی هم منعکس شده است.

جهان اسلام امروزه از جهانی سازی، شدیدترین رنج را می برد و این رنج ناشی از این نیست که جهانی سازی یک حالت تمدنی طبیعی باشد که بشریت را از کثرت به وحدت و همبستگی در زمینه های گوناگون پیش می برد، که چنین چیزی شایسته و به جا و شکی در واقعیت آن نیست. بلکه این رنج ناشی از آن است که غرب تلاش دارد با سوار شدن بر ترک این اسب، راه آن را به سوی تحقق هدف ها و منافع تنگ نظرانه مورد نظر خود شوقاً دهد و زمام همه امور را در دست بگیرد و سلطه نظامی و اقتصادی و فرهنگی و غیره خود را تعریف نماید و این همان خطر بزرگ است که مقابله با آن به برنامه ریزی ما نیاز دارد.

چنانچه بخواهیم از میراث تمدنی عظیم خود و از وجوه شرکت کننده خویش در ساختن تمدن جهانی پاسداری نماییم. لذا ما باید اجمالاً مفهوم جهانی سازی را بشناسیم تا بدانیم چه کاری را باید برای مقابله با چالشهای آن انجام داد.

تعریف جهانی سازی

شکی نیست که تعریف جهانی سازی یک تعریف

همه جهان از جمله جهان اسلام در پرتو سیستم جهانی جدید که به نوبه خود مظهر عظیمی از جنبش فراگیر جهانی سازی بوده با حالت تازه ای از تعامل غرب و در رأس آن ایالات متحده آمریکا روبرو شده است و این مسأله همگان را وادار می کند تا نسبت به مواضع خود تجدید نظر کنند، چرا که همه زندگی اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی، سیاسی و حتی فرهنگ مردمی جهان در معرض خطر این خیزش بزرگ و فراگیر قرار گرفته است.

ما نیز بر این باوریم که جهان اسلام بیش از سایر بخش های جهان در معرض تهاجم این پدیده قرار گرفته است، چون جهانی سازی وحشی - به طوری که خود غربی ها این نام را بر آن گذاشته اند - روی آن تمرکز دارد. استراتژی های تهیه شده در پرتو این سیستم، با صراحت به آن اشاره دارند (نظیر استراتژی آمریکا در سال ۱۹۹۷). بلکه ما یقین داریم که تمرکز فشارهای نظامی، فرهنگی و اقتصادی و حرکت پروژه های استعماری نوین، همچون طرح خاورمیانه بزرگ که دربرگیرنده جهان اسلام و اطراف آن است همگی علیه ما است.

علاوه بر این، روابط تاریخی روانی خصوصاً آمیزی که طی قرن های متمادی بین جهان اسلام و غرب وجود داشته که زمانی جهان اسلام به قلب غرب گسترش یافت و گاهی تقریباً همه جهان اسلام به استعمار غرب گرفتار بود، باعث شد که هیچ منطقه ای از دستبرد غرب دور نماند.

در مقاله ای که پیش رو دارید، آیت الله تسخیری با توضیحی درباره جهانی سازی غربی و تعاریف متنوع و متناقض آن، و نیز ویژگی ها و پیامدهای منفی این موضوع برای جهان اسلام و دیگر جوامع بشری، به بیان تفاوت دو مقوله «جهان مداری اسلامی» و «جهانی سازی غربی» پرداخته و وجوه مختلف این تفاوت ها را بر شمرده است. وی در ادامه، با بررسی اوضاع امروز امت اسلامی و تبیین یکی از جنگ های صدر اسلام و درس هایی که از آن می توان گرفت، راهکارهایی برای برون رفت از وضع موجود ارائه داده است.

نویسنده، با توجه به تجارب طولانی خود، در سطح امت اسلامی، اقدام به تهیه یک راهبرد علمی، روشن و فراگیر را که همگی در آن مشارکت داشته باشند پیشنهاد می کند و در سطح جهانی نیز، رهنمودهای چندگانه ای را بر شمرده که می خوانید:

میهم و پیچیده است و تعریف‌های ارائه شده برای آن متناقض، متنوع و گوناگون است و در واقع آدمی با شناخت نوع تفسیرها و تعریف‌های ارائه شده برای جهانی سازی پی می‌برد که جهانی سازی یک تلاش برای نفی تمدن‌های غیر غربی و تحمیل سرمایه داری و تلاشی برای تحمیل مدل آمریکایی بر سایر تمدن‌ها و زیر سلطه در آوردن جهان از سوی آمریکا است.

ما در این زمینه سه جنبه از اینگونه تلاش‌ها را یادآور می‌شویم:

۱- تعریف جهانی سازی ارائه شده از سوی کمیته بین‌المللی در سال ۱۹۵۸ آن را دخالت در امور اقتصادی، جامعه، سیاست، فرهنگی و رفتار سایر جوامع جهانی از طریق الغای مرزها و تابعیت ملی و اقدام‌های دولتی دیگر کشورها دانسته است. (۱)

۲- برخی از تعریف‌های غربی برای جهانی سازی، آن را یک واقعیت تحول سرمایه داری در سایه سلطه کشورهای مرکزی و حاکمیت یک سیستم جهانی نابرابر دانسته‌اند. تعریف‌های دیگری نیز در زمینه‌های اقتصادی، یا ادبی، یا تعریف‌هایی باتوجه به لوازم آن، از سوی (جابری) و (تیزین) و غیره ارائه شده است. (۲)

۳- تعریف (روزنار) آمریکایی: وی در تعریف جهانی سازی سؤال‌هایی را مطرح می‌کند که آیا جهانی سازی ناشی از تجانس و همانندی یا تعمیق تفاوت‌هاست؟ و آیا جهانی سازی منابع واحدی دارد، یا گوناگون؟ و آیا جهانی سازی فرهنگ واحدی دارد یا متعدد؟ و سرانجام معتقد است: سه مطلب در مسأله جهانی سازی ذی‌ربط‌اند که عبارتند از برچیدن مرزها و برجسته نمودن مشابهت‌های موجود در جوامع بزرگ و تحمیل روش زندگی آنها بر دیگران. (۳) از اینرو، ما می‌توانیم بگوییم که جهانی سازی در واقع آمریکایی شدن روابط سیاسی و حقوق اجتماعی در سطح جهان و تحمیل فرهنگ سلطه غرب بر دیگران است که این مسأله خطرناکتر از اندیشه‌های شیطان‌ی است. جهان غرب با بهره‌گیری از توان تکنولوژی علمی و فرهنگی و نظامی خود این اندیشه را مطرح کرده است. و برخی از فلاسفه و نویسندگان نیز تئوری‌های نظری را برای اجرای آن زمینه سازی کرده‌اند و همه ما با نظریه هانتینگتون آشنا هستیم وی در این نظریه بر تمدن غرب تأکید دارد و آن را در زمینه‌های تسامح و انسان دوستی و تکرر بر دیگر تمدن‌ها متمایز می‌داند و تمدن‌های غیر غربی را به استبداد و پیروی محض از ارزش‌های گذشته و ناکامی در حل مشکلات انسانی، همچون فقر و بی‌کاری و سطح پایین زندگی و زیاده‌روی و ولد و دیکتاتوری متهم می‌کند. این نظریه به غرب پیشنهاد می‌کند با دیگر تمدن‌ها همکاری نکند و تکنولوژی خود را به آنها صادر

## □ روند آماده‌سازی برای تئوری جهانی سازی، آمریکایی نمودن روش‌های زندگی و دربرگیرنده زمینه‌های کامپیوتری و اینترنتی و ماهواره‌ای و زیر کنترل در آوردن سازمان‌های بین‌المللی شده است.

مقالاتی که آن را در مجله اکونومیست در سال ۱۹۹۴ منتشر کرده بود بر وجود مشابهت میان وضع اسلامی در قرن پانزدهم هجری و وضع اروپا در قرن پانزدهم میلادی تأکید داشته و بر این باور است که این دو وضع در فراهم آوردن زمینه مناسب برای انجام اصلاحات و در نوع نهاد‌های مذهبی موجود نزد مسلمانان و نهاد‌های کلیسا در قرن پانزدهم میلادی و در سطح استعماری که از آن رنج می‌برند اشتیاقی که برای بهبود اوضاع از خود نشان می‌دهند با هم مشابهت دارند. وی بر این باور است که یک عامل وجود دارد که این وضعیت را تحریک و پشتیبانی کرده است.

در زمانی که مسلمانان عامل خارجی را در ایجاد تحول در زندگی اروپا در آن زمان تشکیل داده بودند، غرب نیز امروزه به عاملی برای پیشبرد جهان اسلام به سوی تحول و پیشرفت تبدیل شده است. وی نیز معتقد است که این حرکت از سوی اسلامگرایان آزاده‌ای که به دمکراسی ایمان دارند آغاز می‌شود. و لاجرم باید برای پشتیبانی این افراد با قدرت حرکت کرد. وی در پایان مقاله‌های خود سه توصیه به جهان اسلام ارائه می‌دهد تا شایستگی تعامل با غرب و وارد شدن در کاروان تمدن انسانی امروزی را پیدا کند که عبارتند از:

۱- منسجم شدن با اقتصاد نوین

۲- پذیرش اندیشه برابری میان مرد و زن

۳- تلاش در جهت بهره‌گیری از اصول دمکراسی و اجرای آن در سیستم حکومتی. (۵)

و بدین ترتیب روند آماده‌سازی برای تئوری جهانی سازی و آمریکایی نمودن روش‌های زندگی دربرگیرنده زمینه‌های کامپیوتری و اینترنتی و ماهواره‌ای و زیر کنترل در آوردن سازمان‌های بین‌المللی شده است. این گونه دستگاه‌ها برای دسترسی به این هدف باید پاسخ مثبت دهند و در غیر این صورت، نادیده گرفته می‌شوند، یا این که آنها را با موانعی روبرو خواهند کرد. همانگونه که اخیراً ما شاهد تلاش سازمان ملل متحد برای تشکیل شورایی برای حقوق بشر به جای کمیته بین‌المللی مأمور این مهم بوده ایم.

هرچند که این مسأله تحقق بخش شعارهای آمریکا در این زمینه بوده است ولی به این کشور مجال گسترش نفوذ در آن داده نمی‌شد از این رو، آمریکا در برابر آن ایستاد. آمریکا با بهره‌برداری از رویدادهای ۱۱ سپتامبر تلاش کرد خود را به عنوان نیروی اول جهان مطرح نماید و همه سرنوشت‌های سیاسی کشورهای جهان را زیر کنترل خود در آورد. همچون طراحی این کشور برای زیر کنترل در آوردن فرهنگ‌ها و ارزش‌ها و دخالت در قانونگذاری‌های اجتماعی دیگر کشورها دخالت می‌کرد. (۶) و افزودن حقوق‌های دیگری، نظیر: حقوق جنسی و

نماید و کشورهای غربی در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی و اداری با هم وحدت‌سازی نمایند. این تئوری بر این باور است که تمدن غرب روی میراث یونانی و مسیحی غربی و سکولار و قانون‌سالاری و تکرر اجتماعی و جامعه مدنی و حقوق بشر استوار است که این امور بخشی از تمایزهای تمدن غرب به شمار می‌رود و در دیگر تمدن‌ها تحقق نمی‌یابد.

فوکویاما نیز سیستم سرمایه داری را هدف و غایت تاریخ می‌داند و بر این باور است که همه جوامع باید به سوی سرمایه داری حرکت کنند و باید شرایط سیاسی و اجتماعی را که مهمترین آن ایجاد تحول در ساختار اجتماعی است به سوی برابری و عدم قشریگری و قومی‌گرایی حرکت نماید و تفسیرهای مذهبی ذی‌ربط با این تحول را ایجاد (نمود) و نیز جامعه توسعه یافته به ایجاد نهاد‌های میانه‌رو و اعتدال میان افراد و دولت اقدام کند و همچنین عدم غلو کردن در برتری و تمایز قومیتی که موجب انزوای تمدنی می‌گردد و نیز تفسیرهای روشن فکری از متون مذهبی، و انتقاد از کلیه حرکت‌های افراط‌گرا و اقدام نخبیگان به پشتیبانی از ارزش‌های دمکراسی و آزادی را خواستار شده است، بنابراین، او جامعه سرمایه داری را به عنوان یک هدف مطرح می‌کند که همه تمدن‌ها باید به سوی آن حرکت کنند. (۴)

«بیل‌هام بریان» اندیشمند انگلیسی نیز در سلسله

حقوق زایمان و نظیر آن را خواستار می شود.

پیامدهای منفی جهانی سازی

پیامدهای منفی این اندیشه خرابکارانه برای همه جهانیان آشکار شده است. از اینرو، جهانی سازی به اوصاف زیادی، همچون جهانی سازی دیوانه و جهانی سازی تله، یا چیزی که یامی خورد یا خورده می شود نامیده شده است، تحقیقات گوناگون انجام شده این پیامدهای منفی را یادآور شده است که ما در اینجا به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱- تسلط و سیطره قدرت های بزرگ بر جریان اقتصاد جهانی و منابع تولیدی و مبادلات مالی و تجاری بین المللی تا آنجایی که گفته می شود که در جهان ۵۰۰ شرکت بزرگ وجود دارد که ۷۰ درصد حجم تجارت بین المللی را زیر کنترل انحصاری خود دارند. و تنها ۲۰ درصد از جمعیت جهان در وضعیت خودکفایی به سر می برند؛ در حالی که ۸۰ درصد از جمعیت جهان در وضعیت دریافت کمک و اعانات از دیگر کشورهای زندگی را سپری می نمایند و از زمان تشکیل سازمان تجارت جهانی تا سال ۲۰۰۵ میانگین سالانه درآمد ایالات متحده آمریکا حداقل ۲۰۰ میلیارد دلار بوده در حالی که میزان زیان های کشورهای آفریقایی در این سال ها سالانه نزدیک به ۲۰۹ میلیارد دلار بوده است. (۷)

۲- تسلط آمریکا به رسانه های علمی

۳- شکست هییت و اعتبار کشورهای کوچک و توان توسعه این کشورها.

۴- دخالت در قانونگذاری های داخلی دیگر ملل جهان، همانگونه که در کنفرانس های خانواده و غیره شاهد آن بوده ایم.

۵- تهاجم فرهنگی به همه بخش های جهان و تلاش برای ریشه کنی دیگر فرهنگ های موجود در این بخشها و خواستار شدن اجرای تطبیق های عصر ماورای مدرنیته و الگوی نقل دین؛ به طوری که فیلسوف چک درینا خواستار برچیدن نهادهای دینی و آموزشی در کلیه کشورهای جهان شده است. (۸)

ماهم اکنون شاهد تلاش غرب برای صدور برخی از ارزشهای خود به عنوان ارزشهایی مسلم و بی چون و چرای دیگر کشورهای جهان جهت پابندی به آن، همچون دمکراسی، آزادی شخصی و جنسی هستیم تا آنجایی که اخیراً مسلک لائیک را به عنوان یک اصل انسانی که نمی توان آن را کنار گذاشت، مطرح کرده است. و بدین سان می توان درباره الگوهای اقتصادی غربی در مصرف را از دید فرهنگی سخن گفت

و نیز می توان درباره تهاجم گسترده و چند بعدی فرهنگی غربی و تلاش در جهت محو هویت های ملی و ایجاد هویت های مجازی و مصنوعی از طریق

بهره گیری از آنها به نفع قدرت های بزرگ نظیر بهره گیری از صندوق بین المللی پول و بانک جهانی و سایر سازمان های بین المللی به منظور اجرای سیاستهای مربوط به منافع آنها، بطوری که چند روز پیش رئیس یکی از کشورهای غربی اعلام کرد که ناتو و نیروهای غربی به خاطر سوء استفاده آنها از سازمان های بین المللی، بزرگترین ضربه را به نظم جهانی وارد کرده اند. (۹)

۷- آلوده و قربانی کردن محیط زیست توسط قدرت های بزرگ برای تأمین منافع مادی و آرزو و حرص و طمع آنها.

۸- وجود تلاش و وحشتناکی در مورد تغییر نقشه سیاسی در برخی از مناطق جهان (همچون منطقه خلیج فارس و منطقه شمال آفریقا و روسیه و تایوان) که احتمالاً به منظور ایجاد یک سایس پیکوری جدید انجام می گیرد.

البته پیامدهای منفی زیادی برای جهانی سازی وجود دارد که ما فعلاً به ذکر آن نمی پردازیم.

موانع موجود بر سر راه جهانی سازی یکجانبه ای آمریکا

ما اطمینان داریم آمریکا که این حرکت جهانی سازی را دنبال می کند به رغم امکانات زیادی که در اختیار دارد نخواهد توانست هدف های خود را تحقق بخشد. چرا که موانع زیادی در این راه وجود دارد از جمله:

۱- ایستادگی کشورهای بزرگ و ائتلاف های جهانی در برابر آن که این جهانی سازی با منافع آنها تعارض خواهد داشت.

۲- ایستادگی ملت های جهان در برابر هدف های مربوط به مسخ هویت آنها و احتمال اشغال کشورهایشان که احتمالاً در بطن این طرح وجود دارد.

۳- بروز بحران های جهانی در زمینه های گوناگون و بویژه در زمینه های اقتصادی همچون بحران انرژی که احتمالاً همه سیستم جهانی را به خود گرفتار خواهد کرد.

۴- عدم امکان ادامه روند آمریکا در به چالش کشیدن سیستم روابط بین المللی و نادیده گرفتن نهادهای جهانی، به طوری که جهان را علیه آمریکا حرکت خواهد داد.

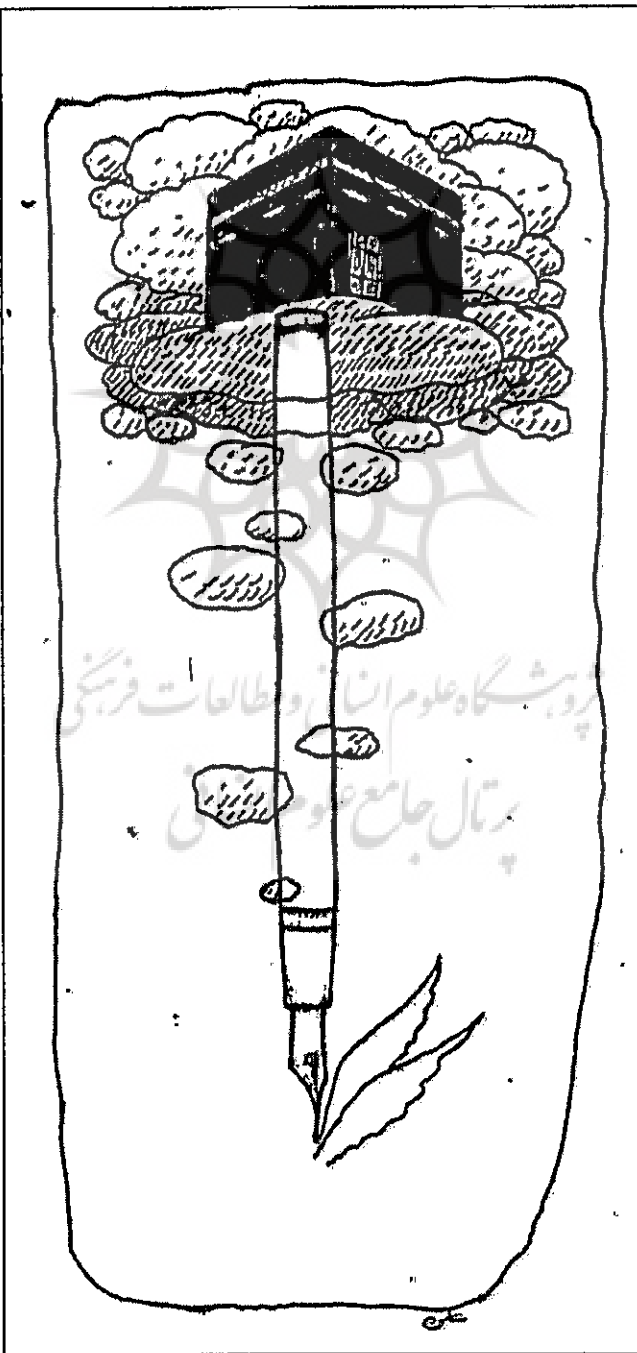
۵- افزایش آگاهی جهانی نسبت به وجود این طرح ها که موجب افزایش روند مقاومت خواهد شد. از اینرو، امکان تبدیل شدن ابزار مدرن مورد استفاده جهانی سازی به ابزاری

برای آگاهی بخشی مردم جهان نسبت به وجود این طرح ها.

۶- آگاهی روبه افزایش مذهبی ملل جهان که

## □ باید درباره تهاجم گسترده و چند بعدی فرهنگی غربی و تلاش

### در جهت محو هویت های ملی و ایجاد هویت های مجازی و مصنوعی از طریق رسانه های تبلیغاتی گسترده و تاثیر گذار تحلیل داشت.



رسانه های تبلیغاتی گسترده و تاثیر گذار صحبت کرد.

۶- کاهش دادن به جایگاه محافل بین المللی و

بزرگترین مانع در مقابل طرح‌های محو‌کننده آن خواهد بود.

تفاوت جهان‌مداری اسلامی و جهانی‌سازی غربی ما بیش از پرداختن به اقدامی که امت اسلامی باید در این رابطه انجام دهد سعی خواهیم کرد، موارد تفاوت موجود میان جهان‌مداری اسلامی ما و جهانی‌سازیشان را به طور خلاصه یادآور شویم. جهان‌مداری اسلامی در نکات زیر با جهانی‌سازی غربی تمایز دارد:

\* جهان‌مداری اسلامی دارای جنبه جهانی و اقتناعی است که ایندولوژی خود را به ملل جهان تحمیل نمی‌نماید و تلاش نمی‌کند فرهنگ و روش زندگی و ملل را سلب کند بلکه در جهت همزیستی و تفاهم با آنها تلاش می‌کند، که چنین چیزی با متون اسلامی و رویدادهای تاریخی قابل انسجام با این متون مورد تأکید قرار گرفته و هیچ‌گونه اجبار در عقیده و یا مسخ فرهنگی دیگران و یا تفاخر نژادی در آن انجام نخواهد گرفت.

\* عدم تلاش برای سلب حقوق و چپاول منابع دیگر کشورها.

- عدم تلاش جهان‌مداری اسلامی به اشاعه و گسترش مفهوم‌های مربوط به منافع مادی نظیر تعمیق الگوهای مصرفی، بلکه میان خط‌مشی‌های خود و تولید انسانی و نیاز عمومی موازنه ایجاد می‌کند و هرگونه کفر ورزیدن به نعمت‌های خداوندی و هرگونه ظلم و ستم در توزیع را نفی می‌نماید و هدف آن پیش از هر چیز خوشبختی و کرامت انسان است و اسراف در تولید و در توزیع مواد مصرفی را مردود می‌شمارد.

\* جهان‌مداری اسلامی در صدد وارد آوردن زیان به افراد و گروهها، یا جوامع نبوده بلکه در جهت اعطای حق به ذی‌حق است و امنیت را در زمینه‌های گوناگون برای همگان فراهم می‌نماید.

\* جهان‌مداری اسلامی تلاش نمی‌کند تا سلطه ملتی، یا قشری، یا فردی را بر دیگران تحمیل نماید و با هرگونه دیکتاتوری و برتری طلبی مبارزه می‌کند و آن را مظهري از مظاهر طاغوت می‌داند و مبارزه با طاغوت را یکی از دو هدف پیامبران در کنار پرستش خداوند در زمین می‌داند.

\* جهان‌مداری اسلامی در جهت اشاعه و گسترش ارزش‌های انسانی و اخلاق نیکو به عنوان یک هدف اجتناب‌ناپذیر تلاش می‌نماید.

\* جهان‌مداری اسلامی تلاش واقع‌بینانه و با اصالتی می‌نماید تا بقیه مظاهر انسانی در رفتار شخصی و اجتماعی و بین‌المللی خود تجلی نمایند. یکی از این - عناصر فطری عدالت است که دین در تحقق آن در همه زمینه‌ها تلاش می‌کند و هر چیزی که با آن منافات داشته باشد حذف می‌نماید.

\* این جهان‌مداری تلاش دارد تا به دیگران احترام

در جهان تعمیم دهد و در همه امور دیگر جوامع حتی در زمینه‌های اجتماعی و مدنی آن دخالت می‌کند و هدف آن تحمیل سلطه خود در همه زمینه‌ها بر دیگران است، و هیچ‌گونه معنایی برای ارزش‌های اخلاقی قائل نیست بلکه اخلاق را در جهت تحقق اغراض و هدف‌های سیاسی خود به کار می‌گیرد همانگونه که اخیراً در بیانیه اندیشمندان آمریکایی شاهد آن بوده‌ایم که در فرهنگ خود، جایی برای مسایل معنوی نگذاشته‌اند، بلکه با همه ابزاری که در اختیار دارد از جمله رسانه‌های تبلیغاتی و آزادی جنسی با آن مبارزه می‌کنند و عدالت نیز از نظر آن نسبی است به طوریکه عدالت هم باید با منافع تنگ نظرانه اش سازگار و متناسب باشد و سرانجام منطق کشمکش را به جای گفت‌وگو به طور وحشیانه مطرح می‌کند. اما درباره معیار عدالت و ارزیابی هیچ معیار و عدالت و ارزیابی جز قدرت و منافع تنگ نظرانه خود را نمی‌شناسد، از اینرو، سیاست یک‌بام و دو هوارا در تعامل با دیگران به کار می‌گیرد بدین معنی که، دیگران حق تعامل انسانی را ندارد - طبق نظریه هابز در تقسیم بندی جوامع بر اساس مدرنیته که امروزه پیروان بیشتری از اندیشمندان غربی و بویژه در انگلیس و آمریکا پیدا کرده است. و سرانجام همانگونه که گفتیم جهانی‌سازی غربی از شرایطی که برای خود مناسب می‌بیند بهره‌برداری می‌نماید بی آن‌که به یک فلسفه واقعی که توجیه‌گر تهاجم و وحشیانه اش باشد تکیه نماید.

اوضاع امروز امت اسلامی:

امت اسلامی امروزه آثار یک نبرد درازمدت را که دهها سال و شاید صدها سال ادامه داشت از خود زدوده است، چراکه برخی از گونه‌های اشغال در برخی از مناطق جهان اسلامی همچون اندونزی از سوی غرب بیش از سه قرن ادامه داشته. و این ملل طی این مدت رنج‌های بسیار و شکست‌ها و غارت‌های گوناگون و تجزیه جغرافیایی و تاریخی و زبانی و غیره متحمل گردیده و از هدایت دینی محروم و در معرض آموزه‌های لائیک و ستیزه‌جویانه و غیره غرب قرار گرفته و در پایان قرن بیستم در اثر غفلت و خیانت و عدم برنامه‌ریزی دچار آسیب‌های فراوان شده‌اند. با این وجود این امت هم‌اکنون در معرض طرح‌های بزرگتر و خطرناکتری قرار گرفته که همه موجودیت فرهنگی و تمدنی را هدف قرار داده است. بنابراین، امت اسلامی چه اقداماتی می‌تواند انجام دهد؟ ما بر این باوریم که وضع تا میزان زیادی به وضعیت که مسلمانان در پی شکست آنها در جنگ‌ها داشته‌اند شباهت دارد. در آن زمان مردم مسلمان در پی جنگ‌ها در معرض دردهای ناشی از زخمهای جنگ و تفرقه و نفاق و تشکیک به عقیده قرار گرفته بودند که خبرهایی از وجود یک طرح شیطانی به گوششان

□ جهان‌مداری اسلامی تلاش نمی‌کند تا سلطه ملتی، یا قشری، یا فردی را بر دیگران تحمیل نماید و با هرگونه دیکتاتوری و برتری طلبی مبارزه می‌کند و آن را مظهري از مظاهر طاغوت می‌داند و مبارزه با طاغوت را یکی از دو هدف پیامبران در کنار پرستش خداوند در زمین می‌داند.

بگذارد و منطق گفت‌وگو را پیش از هر کار دیگری گسترش دهد (لیحیی من حی علی بینة و یهلک من هلک عن بینة) «بدین معنی به کسانی که خواهان زندگی بر اساس شواهد باشند فرصت زندگی می‌دهد و کسانی را که راه هلاکت را با شواهد در پیش گرفته باشند به هلاکت می‌رساند» و این مسأله نیز جزء اقتضاهای فطرت‌های انسانی است.

\* از جمله اصولی که در جهت نشر آن تلاش می‌کند، همکاری و معارفه و استخلاف الهی و همیاری اجتماعی است.

\* جهان‌مداری اسلامی انسان و مرکزیت او را با معیارهای تعهد و کار او ارزیابی می‌نماید.

- میان آزادی‌های فردی و منافع اجتماعی توازن ایجاد می‌کند و سرانجام همه مسایل اجتماعی را بر پایه فلسفه واقع‌گرایانه استوار می‌نماید که از آن حرکت می‌کند و خود را به مقتضیات آن و ویژگی‌هایی که در اینجا مجالی برای ذکر آن نیست، متعهد می‌نماید.

اما جهانی‌سازی غربی را می‌توان گفت که در موضع نقیض آنچه گذشت قرار دارد. این جهانی‌سازی همانگونه که قبلاً گفته‌ایم - دارای ویژگی نفرت فرهنگی و چپاولگری یا بگونه وحشیانه و دیوانه‌وار، و یا بشکلی پیشرفته و مدرن است، از نیز تلاش می‌کند منطق حیوانی مصرفی را

می‌رسد و قریش را به از سرگیری جنگ با مسلمانان وامی‌دارد و به آنها خبر می‌دهد که آنها بهره‌بردار از جنگ احد را به طور کامل برای پیروزی انجام نداده‌اند. آنگاه رهبر مسلمانان «پیامبر» از این خبر آگاه می‌شود و مسلمانان شرکت‌کننده در جنگ احد را یک بار دیگر آماده نبرد می‌کند تا همچون شیران غران بیرون بیایند، تا جایی که قبیله قریش از چنین آمادگی باخبر می‌شود و سر جای خود می‌نشیند و از طرح تجاوزکارانه خود صرف نظر می‌کند.

ما باید آن وضعیت و طرح‌های حضرت رسول اکرم (ص) و آموزه‌های قرآن کریم را در آن زمان بررسی نماییم و از آن برای وضعی که اکنون با آن روبرو هستیم بهره بگیریم.

خداوند متعال، شصت‌آیه از سوره آل عمران را در روز احد نازل نمود، به طوری که ابن هشام در سیره خود می‌گوید (فیها صفة ما کان فی یومهم ذلک و معاتبه من عاتب منهم). (۱۰). خداوند متعال در پی هشدار به مسلمانان نسبت به طرح‌های دشمنانشان (آیه‌های ۱۱۸-۱۲۰) درس عبرت‌ها و وقایع در جنگ احد را به قرار زیر مرور می‌نماید:

- مطرح شدن شایعات از سوی دشمنان در حالی که حضرت رسول اکرم (ص) مسلمانان را برای نبرد آماده می‌نمود که این مسأله موجب می‌شود دو گروه از مؤمنان گذشته‌های عقیدتی و عامل توکل بر خداوند عزیز و توانا را فراموش کنند، و دچار شکست و ناکامی شوند که وعده رسول اکرم آنها را به راه صحیح و رستگاری بازمی‌گرداند.

- پس از آن آموزه‌های قرآنی که ویژگی‌های ایمان امت را مشخص می‌کنند و چنانچه خود را به آن پایبند نمایند پیروز می‌شوند، چرا که این مسأله جزو سنت‌های تاریخی است (آیه ۱۳۷ آل عمران).

- پس از آن مسأله تقویت معنویت‌ها فرامی‌رسد و شخص مؤمن متوجه می‌شود که او پیروز و والاتر است به رغم وجود زخم‌های وارد آمده به بدن او، چون زخم‌ها در طرفین وجود داشت و دشمنان نیز دچار آن شده بودند و پیروزی و شکست دست خداوند است که هیچ نیرویی توان شکست او را ندارد. و این مسأله برای مؤمنان یک آزمایش و شناسایی و برای کافران زوال و فروپاشی بوده است (۱۳۹-۱۴۰).

- تعرض به نگرش نادرست به کیفیت ارتباط با حضرت رسول اکرم (ص) فرامی‌رسد تا جایی که ثبات بر زندگی رهبر مربوط می‌شود و به محض پخش شدن شایعه قتل ایشان مؤمنان دچار ضعف می‌شدند از این رو، بر لزوم ایمان به رسالت و ثابت قدمی نسبت به آن تأکید می‌شود و چنین چیزی مقتضای شکر نعمت رسالت است (۱۴۴).

- لزوم حفظ روحیه شور و حماسه و امید و پایداری بر خط ایمان و انتظار وعده الهی و پرهیز از

به ریشه‌کنی وجود اسلامی در واقع‌ای که (حمراء الاسد) نام داشت صادر می‌نماید تا قریش متوجه میزان عزم و تصمیم رهبر مسلمانان می‌شود و از تصمیم خود برای حمله به مسلمانان در پی آگاهی یافتن از تبدیل تهدید به یک فرصت از سوی مسلمانان عدول می‌نماید (۱۷۲-۱۷۴).

و بدین ترتیب، درس‌های تاریخی که باید مسلمانان پیوسته از آن استفاده نمایند، ادامه می‌یابد و ما نیز برای مقابله با تهاجم وحشیانه جهانی‌سازی ویرانگر، باید از آن بهره بگیریم.

موضع امت اسلامی و گام‌های عملی که باید در برابر جهانی‌سازی بردارد

پیش از تبیین این گام‌ها تأکید می‌کنم که مخالفت انفعالی با جهانی‌سازی با شکل‌های گوناگون آن بی‌نتیجه خواهد بود چرا که برخی از گونه‌های جهانی‌سازی دربرگیرنده حالت‌های طبیعی و ترقیخواهانه است، بلکه باید از خود حوصله نشان داد و گام‌های عملی و حساب شده‌ای را جهت ایستادگی در برابر جنبه‌های منفی این تهاجم جهانی بزرگ برداشت:

اقدام به تهیه یک راهبرد علمی و روشن و فراگیر که اولاً همگی در تهیه آن مشارکت داشته باشند و ثانیاً آن را به اجرا درآورند. و نیز نظریاتی که زمینه را برای این نگرش تخریبی فراهم کرده‌اند باید رسوا کرد.

و در مورد راهبرد مورد نظر ما چند گامی را که در این زمینه مهم می‌دانیم مطرح می‌نماییم:

- ۱- ما باید جنبه‌های ایدئولوژی سلطه آمریکا و هدف اصلی از مقوله‌های این بخش را (همچون دهکده کوچک جهانی و آزادی بازار و آزادی دخالت در امور دیگران و گشایش مرزها و نظایر آن را روشن و رسوا نماییم.
- ۲- ما باید برای جلوگیری از تسلط بازار بر جنبه سیاسی در کلیه مظاهر آن و حذف آن برنامه‌ریزی جدی نماییم.
- ۳- لزوم تأکید بر هویت‌های منطقه‌ای و هویت‌های ملل جهان و آگاهی دادن به ملت‌ها جهت حفظ هویت‌ها و فرهنگ‌های خود.
- ۴- لزوم بالا بردن توان علمی و توسعه‌ای ملت‌ها.
- ۵- لزوم تلاش به اعطای آزادی‌ها و حقوق اصلی ملت‌ها.
- ۶- لزوم تقویت نهادهای بین‌المللی و تعمیق استقلال عمل آنها.
- ۷- لزوم تعمیق منابع فرهنگی متنوع و در چارچوب اسلامی لازم است علاوه بر آنچه گذشت
- ۸- روی موارد زیر تأکید نماییم:

## □ وعده الهی و وعده‌ای حقیقی است

که مسلمانان با چشم خود

هنگامی که به خط او پایبند بودند

آن را دیده‌اند و هنگامی که صبر و

تقوی را که شرط پیروزی بود از

دست دادند با آزمایش شکست

روبرو گردیدند.

وعده‌های دشمن (۱۴۶-۱۵۱).

- وعده الهی و وعده‌ای حقیقی است که مسلمانان با چشم خود هنگامی که به خط او پایبند بودند آن را دیده‌اند و هنگامی که صبر و تقوی را که شرط پیروزی بود از دست دادند با آزمایش شکست روبرو گردیدند. (۱۵۲)

- شکست ناشی از حیرت برخی از مسلمانان و عدم فراموشی منافع تنگ نظرانه و ابراز شک و تردید نسبت به برنامه رهبری و ترس از مزگ و توجه به وسوسه‌های شیطانی، از این رو، قرآن کریم آنها را یک بار دیگر به متون اصلی مربوط به قدرت الهی و وعده‌های پیروزی و معنای مرگ و فرارسیدن اجل یادآوری می‌کند و آنها را از تخیل‌های جاهلیت بر حذر می‌دارد. (۱۵۵-۱۵۸)

- پس از آن دعوت به سازماندهی وضع موجود و از سرگیری وضعیت طبیعی روابط میان رهبر و امت و چارچوب نرمش و رحمت و نشر مشورت و پذیرش مسئولیت مشترک با حفظ رهبری برای حرکت به سوی اجرای طرح‌های آماده شده در چارچوب توکل به خداوند فرامی‌رسد. (۱۵۹)

- پس از آن، مرحله حماسی بزرگ فرامی‌رسد که رسول اکرم (ص) به مسلمانان و بویژه آنهایی که در جنگ احد شرکت داشته به رغم زخم‌هایی که داشتند دستور مجبور شدن را جهت مقابله با دشمن مصمم

۱- تعمیق و تلاش در جهت تقویت نهادهای جهانشمول اسلامی و فعال نمودن آن در بخش‌های سیاسی و اقتصاد و فرهنگی.

۲- لزوم ایجاد تحول در مطالعات منطقه‌ای و جهانی و توجه به تاریخ.

۳- لزوم تقویت کلیه عوامل پایداری و همکاری و وحدت، همچون مسأله آموزش و فراگیری زبان عربی و تعمیق آن و لزوم احیای معنویت در دل‌ها که وجه تمایز بر دشمنان ما است که خداوند متعال در سوره نساء آیه ۱۰۴ می‌فرماید:

«ولاتهنوا فی ابتغاء القوم ان تکتونوا تالمون فانهم یالمون کما تالمون و ترجون من الله ما لایرجون و کان الله علیما حکیما». (سستی نکنید اگر شما در رنج باشید آنها نیز مانند شما در رنج هستند و حال آن که شما به خدا امید دارید- آنچه را که آنها به آن امید ندارند و خدا بسیار دانا و حکیم است).

۴- لزوم بازگرداندن حالت طبیعی رهبری اسلامی و روش تعامل آن با امت در چارچوب (نرمش و محبت)

۵- لزوم از سرگیری تعمیق ارزش‌ها در دل‌های امت ما درباره زندگی و مرگ و تمدن و نوع مسامحت تمدنی و نوع ارتباط با خداوند متعال و ایمان به قدرت او و توکل بر او و بدون تعرض به یکدیگر. و سرانجام باید دل‌ها و آگاهی و احساسات خود را به رنگ قرآن کریم و آیات آن از جمله آیات سوره آل عمران که بدان اشاره شد در آوریم و تحت تاثیر طرح‌های جهانی سازی مربوط به آموزش قرار نگیریم و از افراطی‌گری سطحی و قشری و تکفیری متهورانه پرهیز نماییم.

میان‌روی اسلامی بیان دقیقی از توازن حکیمانه اسلامی است، از این رو، باید نخست کشف شود و سپس در دل‌ها تعمیق گردد.

۶- بر ما لازم است که روحیه مشورت را در همه معانی آن در جامعه خود گسترش دهیم.

۷- ما وظیفه داریم مواد اعلامیه حقوق بشر اسلامی را به دقت اجرا نماییم.

۸- هرگونه اقدام لازم را جهت تبدیل تهدیدهای گوناگون به فرصت‌ها انجام دهیم.

همانگونه که آیات گذشته سوره آل عمران و به ویژه در این گفته خداوند آمده است:

«الذین قال لهم الناس ان الناس قد جمعوا لكم فاخشوهم فزادهم ایمانا و قالوا حسبنا الله و نعم الوکیل» (۱۱) (آن مؤمنانی که چون مردم (منافق) به آنها گفتند لشکر بسیاری علیه شما فراهم شده پس از آنان بر حذر باشید بر ایمانشان افزوده شد و گفتند خدا ما را کفایت است و نیکو مددی است.)

۱۰- مادر تحقیقات مذهبی خود باید اصالت و نوگرایی و اجتهاد جمعی را بیاموزیم و هرگونه اقدامی را که منجر به ایستادن در برابر این حمله

دینی.

ه- حرکت اخیر سازمان ملل متحد به سوی رهبران مذهبی همانگونه که در کنفرانس‌های نیویورک و بانکوک شاهد آن بوده‌ایم.

و- گسترش گفت‌وگو میان ادیان و مذاهب گوناگون، از این رو روحانیون این ادیان باید به وظیفه خود در پشتیبانی از این روند رو به افزایش عمل نمایند.

## یک جهانی سازی بزرگ به موازات آن جهانی سازی استکباری، هم‌اکنون در حال گسترش است و آن عبارت است از سمت و سوی جهانی به توسعه معنویات و روح دینداری نزد ملل جهان و تفاهم میان رهبران مذهبی و بویژه در جهان اسلام.

بی‌نویس:

۱- مجله النبیج، شماره ۵۰، بهار سال

۱۹۸۸.

۲- مجله الواحه، شماره ۱۶، ص ۱۵۳.

۳- جیمس روزناو، دینامیکه المعرفه.

۴- العربی، شماره ۵۱۲، استاد مجنالدین

خمش، ص ۲.

۵- ر. ک: مجله المنهاج، شماره ۲۲، سال

ششم، ص ۲۲۸، مقاله مؤلف پیرامون این موضوع.

۶- ر. ک: کنفرانس جمعیت و توسعه قاهره و

پیامدهای آن، نوشته: مؤلف

۷- استاذ میناوندی به نقل از گزارش شورای

ملی تولید و امور اقتصادی (مهر) که به تاریخ ۳/۱۷/

۲۰۰۲ ارائه شده.

۸- دکتر عبدالعزیز حمود، الثقافة، اختیار

الثقافة القومیة (الاهرام ۲۰۰۲/۷/۵)

۹- دلایل مربوط به این سوءاستفاده‌ها روز به

روزی بیشتر می‌شود. و چنانچه این سازمان‌ها برای آنها

سودی نداشته باشد آنها را رها می‌کنند و این همان

چیزی است که در وضع آمریکانسیست معاهده (کیوتو)

که آلودگی محیط زیست را ممنوع می‌کند شاهد آن

بوده‌ایم. چون آنها متوجه شده بودند که اجرای این

معاهده باعث کاهش تولید ذغال سنگ و نفت سنگین

و انرژی اتمی‌شان می‌شود در حالی که این کشور اخیراً

این معاهده را از سری دادگاه جنایی بین‌المللی امضا

کرده و در تشکیل آن مشارکت داشته اما برای معافیت

سربازان خود از اقدامات دادگاه، قدم برداشت و نیز

در جهت خارج شدن از موافقتنامه مربوط به ممنوعیت

آزمایش‌های هسته‌ای تلاش کرده است و تلاش

اجرائی خود را در زمینه تحریم سلاح‌های شیمیایی را

متوقف کرده است.

۱۰- سیره ابن هشام، جزء سوم، ص ۱۱۲،

چاپ دارالاجیاء التراث.

۱۱- آل عمران، آیه ۱۷۲.

جهانی بزرگ شود ترویج دهیم.

۱۱- بر ما لازم است که از مسأله بیداری اسلامی حمایت کنیم.

و سرانجام نباید فراموش کرد که یک جهانی سازی بزرگ به موازات آن جهانی سازی استکباری، هم‌اکنون در حال گسترش است و آن عبارت است از سمت و سوی جهانی به توسعه معنویات و روح دینداری نزد ملل جهان و تفاهم میان رهبران مذهبی و بویژه در جهان اسلام که فهم همه‌جانبه اسلام مورد توجه قرار گرفته است، فهمی که این امت را در جایگاه تمدنی مطلوب خود قرار می‌دهد.

ما بر این عقیده‌ایم که مظاهر این سمت و سوی جهانی روز به روز ریشه‌دارتر می‌گردد که برای مثال ما شاهد:

آ- حرکت شیفته‌وار توده‌های مردم در جهان اسلام به سوی دینداری و خواستن از علمای دینی برای دخالت مستقیم در زندگی عمومی مردم و ابراز نظر در مسایل عاجل آنها.

ب- تحکیم نقش کلیسا در مسایل سیاسی و اجتماعی در جهان مسیحی و بویژه در کشورهای که پس از فروپاشی شوروی تشکیل یافته‌اند و آزادسازی نیروی مذهبی بودایی در اتخاذ تصمیمات اجتماعی در جنوب آسیا.

ج- افزایش اقبال مردم به نظریات و کتاب‌های